



داستان نافر جام خصوصی سازی



NFT چیست و چرا مهم است؟

هر چند این داریابی های دیجیتال ابتدا بیشتر در قالب آثار هنری دیجیتال شناخته شدند و با انتقاداتی دربار ه...

صفحه ۳

محدودیت ارز کالاهای اساسی

دولت سیاست جدیدی در حوزه واردات را در دستور کار قرار داده که بر اساس آن سهمی از ارز مورد نیاز برای واردات...

صفحه ۴

راستی آزمایی تعهد نفتی اروپا

بر پایه مفاد اعلام شده، شرکت های اروپایی متعهد شده اند که طی سه سال آینده، هر سال رقمی معادل ۲۵۰ میلیارد دلار...

صفحه ۵

داستان نافر جام خصوصی سازی

کریم حسن پور - بیش از پنج ماه از واگذاری مدیریت بزرگ ترین خودروساز کشور به بخش خصوصی می گذرد؛ واگذاری ای که با هدف ارتقای بهره وری و کاهش مداخلات دولتی انجام شد.

تهران بر گزار شد تا بین وزرای اقتصادی با دانشگاهیان در مورد الزاماتی که پیش از واگذاری سهام خودروسازی ها باید رعایت شود، شور و مشورت انجام شود. اظهارنظرها و نشست ها و جلسات متفاوت دیگری هم در این رابطه برگزار شد و از یک سری پیش نیاز برای واگذاری خودروسازی به بخش خصوصی یاد می شد. یکی از این موارد تعیین تکلیف قیمت گذاری دستوری بود در تمام مدتی که موضوع واگذاری تولیدکنندگان خودرو مطرح بود، روی این مساله تاکید می شد که پیش از واگذاری باید مشکل قیمت گذاری دستوری حل شود، چراکه بخش خصوصی مانند مدیران منتخب دولت در برابر دستورات قیمتی به راحتی تمکین نمی کنند و از طرف دیگر با زبانی که قیمت گذاری دستوری به خودروسازان تحمیل می کند بخش خصوصی زیر بار خرید این شرکت ها نمی رود. موضوع دیگری که معلوما مورد تاکید قرار می گرفت حل موضوع سهام های تودلی بود که عملا هزینه های مالی خودروسازان را سرسام آور کرده است. سهام تودلی به این معناست که یک شرکت زیرمجموعه سهام شرکت مادر را خریداری می کند و به نوعی مالک سهم شرکتی می شود که زیرمجموعه آن است. مساله سومی هم که روی آن تاکید می شد جلوگیری از ایجاد تعارض منافع بود. برای مثال «دنیای اقتصاد» گرچه از سال های گذشته به طور مالم روی خروج دولت از صنعت خودرو و خصوصی سازی آن تاکید داشت اما در تمام این مدت الگوی مورد تاکید ما واگذاری سهام خودروسازی ها به شرکت های خارجی خودروساز بود که از طرفی باعث انتقال فناوری به کشور شده و از طرف دیگر جلوی تعارض منافع گرفته شود.

اما به یکباره در بهمن ماه سال گذشته به طور شتابزده ای واگذاری مدیریت خودروسازی کلید خورد آن هم در شرایطی که نه تکلیف قیمت گذاری دستوری مشخص شده، نه سهام های تودلی واگذار شده اند و مشکلاتی مانند تعارض منافع در تامین قطعات به وجود آمده است. موضوعی که بار دیگر تایید می کند که شاید تنها راه خصوصی سازی موفق واگذاری این شرکت ها به خودروسازان خارجی بود علاوه بر همه اینها دولت نیز حاضر نیست که از اختیاراتی که در زمان دولتی بودن این شرکت ها داشت قلمی عقب بنشیند. آنچه در عمل اتفاق افتاده رانمی توان واگذاری کامل مدیریت نامید چراکه دولت همچنان به دنبال استفاده از اهرم های خود برای استیلا در این صنعت است. یکی از اهرم ها کنترل اعطای تسهیلات است که دولت از آن استفاده می کند. بنابراین می توان گفت آنچه اتفاق افتاده، نوعی «خصوصی سازی ناقص» بوده است. به عبارت دیگر ایران خودرویی ها با اعلام قیمت های مصوب هیات مدیره، خود را از حمایت های دولتی محروم کردند از طرف دیگر روی موضوع کنترل هزینه ها که بعد از واگذاری مدیریت ایران خودرو انجام شد بود، در این پنج ماه مالمور زیادی داده شد اما گزارش سه ماهه از صورت های مالی این شرکت نشان می دهد که بخش زیادی از زیان بزرگ ترین خودروساز کشور از طریق فروش قطعات و لوازم جبران شده است و فرآیند تولید خودرو همچنان زیان ده است.

شتاب در واگذاری سایپا

در حالی که هنوز تبعات واگذاری سهام ایران خودرو به بخش خصوصی به طور کامل روشن نشده و بسیاری از تحلیلگران آن را اقلدلی زودهنگام و بدون پیش شرط های لازم می دانند، زمزمه هایی از تسریع در واگذاری سهام سایپا نیز به گوش می رسد؛ واگذاری ای که اگر بدون اصلاح ساختارها و حل چالش های بنیادین انجام شود، ممکن است این خودروساز را نیز به همان مسیر تنش و ناآرامی بکشاند که اکنون ایران خودرو در آن گرفتار شده است. سابقه تجربه ایران خودرو نشان می دهد که خصوصی سازی بدون تعیین تکلیف مسائلی چون نحوه قیمت گذاری، مالکیت سهام های تودلی، و تعارض منافع در زنجیره تامین، نه تنها کمکی به ارتقای بهره وری و شفافیت نکرده بلکه موجب تقابل میان سیاستگذار حوزه خودرو و سهامدار شده است. اکنون نیز در خصوص سایپا، نه وضعیت سهام های درون گروهی شفاف شده، نه مسیر قیمت گذاری آینده مشخص است و نه تکلیف نهاد ناظر و تصمیم گیر نهایی در سیاست های فروش روشن شده است.

در این میان، چندین گزینه برای خرید بملوک مدیریتی سایپا مطرح شده اند که برخی از آنها به لحاظ فنی و اجرایی اهلیت دارند و برخی دیگر صرفا با اتکا به منابع مالی خود وارد میدان شده اند. نگرانی اصلی آن است که واگذاری صرفا به دلیل شتاب در کوچک سازی دولت یا رفع تکلیف واگذاری های نیمه تمام، بدون ارزیابی دقیق اهلیت و بدون تنظیم چارچوب شفاف برای سیاستگذاری پس از واگذاری این خودروساز رانیز وارد یک چرخه معیوب کند اگر مدل کنونی واگذاری ایران خودرو به عنوان یک «آزمون واقعی» از خصوصی سازی در صنعت خودرو در نظر گرفته شود، به نظر می رسد لازم است پیش از نهایی شدن واگذاری سایپا، اصلاحات نهادی و مقرانی در خصوص قیمت گذاری، ساختار مالکیتی و نقش سیاستگذار حوزه خودرو انجام شود. در غیر این صورت، خصوصی سازی نه تنها کمکی به توسعه صنعت خودرو نخواهد کرد.

بیش از پنج ماه از واگذاری مدیریت بزرگ ترین خودروساز کشور به بخش خصوصی می گذرد؛ واگذاری ای که با هدف ارتقای بهره وری و کاهش مداخلات دولتی انجام شد، اما در عمل با چالش هایی در تعامل با سیاستگذاران، به ویژه در حوزه قیمت گذاری مواجه شده است. در این مدت، آنچه در ذهن افکار عمومی نقش بسته، نه رشد تولید و افزایش عرضه، بلکه افزایش تنش میان خودروساز و سیاستگذاران است که به بی اعتمادی نسبت به سیاست های خودرویی دامن زده و نتیجه واگذاری شتابزده بدون اجرای الزامات سیاستی است.

داستان نافر جام خصوصی سازی

بیش از پنج ماه از واگذاری مدیریت بزرگ ترین خودروساز کشور به بخش خصوصی می گذرد. اگرچه ارزیابی نهایی عملکرد مدیریت جدید زودهنگام است، اما روندهای شکل گرفته در این مدت تا حد زیادی مورد تحلیل و قضاوت است. به گفته برخی منتقدان خودرو و تحلیلگران، آنچه در پنج ماه گذشته از واگذاری و مدیریت بزرگ ترین خودروساز کشور به بخش خصوصی در ذهن افکار عمومی نقش بسته، نه رشد تولید و افزایش عرضه است، نه کاهش زیان یا بهبود عملکرد عملیاتی و عدم هایی که پیش تر در تبلیغ این واگذاری مطرح شده بود. اما آنچه تاکنون نمود داشته، افزایش چشمگیر تنش میان خودروساز و سیاستگذاران، تهدید به کاهش تولید و عرضه و تشدید تعارض منافع است. این روند که در ظاهر ظرف مدت کوتاهی شکل گرفته، می تواند هشداری باشد مبنی بر اینکه خشت اول این خصوصی سازی کج نهاده شده، روندی که اگر اصلاح نشود در ادامه می تواند زمینه ساز بحران های بزرگتری در صنعت خودرو شود.

از ابتدای واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی تقابل بین وزارت صمت و این شرکت بزرگ خودروساز روز به روز افزایش پیدا کرد که البته تمرکز بیشتر این اختلافات بر موضوع قیمت گذاری خودرو بود. از همان روزهای ابتدایی مدیریت بخش خصوصی خودروسازی (در بهمن ماه سال گذشته) موضوع اصلاح قیمت مطرح شد. بعد از شروع سال جدید، خودروساز انتظار داشت اعلام قیمت های جدید هرچه سریع تر انجام شود، اما وزارت صمت زیر بار افزایش قیمت رسمی خودرو نمی رفت. بدین ترتیب تقریباً سه ماه به همین منوال گذشت در این مدت بزرگ ترین خودروساز کشور به وزارتخانه اعلام کرد که تا زمان اعلام قیمت های جدید تولید و فروش خود را متوقف خواهد کرد و در عمل نیز تا حدی این تهدید خود را اجرایی کرد که به معنای عدم تمکین نسبت به برنامه اعلامی وزارت صمت بود. این اولین تقابل آشکار خودروساز و سیاستگذاران بود که در یک روند دومینوار ادامه پیدا کرد. اوایل خردادماه هیات مدیره این خودروساز افزایش ۲۲.۲ درصدی قیمت خودرو را مصوب کرد. بلافاصله نهادهای نظارتی و سیاستگذار حوزه خودرو به موضوع ورود کرده و آن را غیر قانونی اعلام کردند که البته تاثیری هم روی روند فروش این خودروساز نداشت و تاکنون دو طرح فروش با قیمت های مصوب خود را اجرایی کرده است، این موضوع دومین تقابل بین ایران خودرو و وزارت صمت بود.

سومین تقابل در اوایل تیرماه رخ داد، وقتی وزارت صمت رشد ۱۵ درصدی قیمت خودرو را مصوب کرد. بعد از این موضوع سایپا و پارس خودرو مصوبه وزارت صمت را رد اعلامه کرد. دلایل خود قرار دادند اما هیچ طلایعیمی در مسورد آن در خروجی ایران خودرو قرار نگرفت. بعد از آن متقاضیان خرید خودرو کاملاً خود را اسیر درگم می دیدند چراکه نمی دانستند که



کارشناسان فنی حوزه برق معتقدند خاموشی های

گسترده، توان تولید را به شدت

تضعیف کرده و به دلیل فقدان

زیرساخت های

هوشمند، امکان

اجرای خاموشی های

انتخابی و نظام

اولویت بندی شده

جامع در شرایط

فعلی بسیار دشوار

است.

پیش نیازهایی که فراموش شدند
موضوع واگذاری خودروسازان به بخش خصوصی به خصوص در یک دهه گذشته به طور مداوم در وعده های سیاستگذاران تکرار شده است. کارشناسان نیز در تمام این مدت روی لزوم کاهش دخالت دولت در این صنعت و سپردن زمامداری آن به بخش خصوصی اصرار داشتند اما چرا دست کم در پنج ماه اولیه واگذاری نتیجه قابل توجهی روی صنعت خودروی کشور نداشته است؟

پاسخ این پرسش را می توان در پیش نیازهایی جست و جو کرد که سیاستگذار حوزه خودرو به طور مداوم از الزام آنها سخن به میان می آورد اما در مرحله اجرای واگذاری همه آنها را به دست فراموشی سپرد. برای مثال در سال ۱۴۰۱ سه جلسه هم ادیشی در سه دانشگاه در

♦ چالش‌های مدیریتی در حوزه تجارت

تلاش برای آزادسازی صادرات غیرنفتی از آوازه دهه هفتاد شمسی و مقارن با برنامه سوم توسعه و به هدف عملیاتی شدن سیاست جهش صادراتی آغاز شد. ادامه تجارت خارجی با تغییر خطمشی ها، سیاست ها، برنامه ها و سیاست های تجاری اعمال شده در دولت های مختلف و همچنین تحولات منطقه ای بین المللی به یزوه تحریم صادرات متعدد خارجی، با افت و خیزهای فراوان مواجه بوده است.

فرقیته ها و توانمندی تولیدی کالا و خدمات و همچنین منابع سرشار کشور قابلیت جهش های بزرگ در صادرات را داشته و دارد با این وجود جدای از موارد استثنا و با وجود تاش های دولتی، غلبه درون گرایی بر کلیات سیاست های اقتصادی و در شدن از تحولات و تغییرهای تجارت بین المللی، امکان رشد و توسعه صادرات غیرنفتی و تحقق جهش واقعی را از باریاگران این حوزه سلب کرده است. مهمترین دلایل افکار سیاست های جهش صادرات در دهه اخیر به چند چهارم به مدیرت صادرات در دهه اخیر به چند بخش قابل تفکیک است.

در درجه نخست آنکه به چشم‌انداز و یکپارچگی بلندمدت در سیاست‌های کلان توسعه اقتصادی و ضمانت استمرار اجرای آنها به‌دلیل روبروکردن سلیقه‌های سیاسی و جناحی دولت‌ها در مدیریت و اداره کشور، کمتر توجه شده است. به‌عبارتی هر دولتی علاقه‌مند بوده اقتصاد کلان کشور و سیاست تجاری را آنچنان‌که خودش می‌پسندد اداره کند. در چنین فضایی علم اقتصاد، واقعیت‌ها، رخدادها و نیازهای داخلی و الزامات ضروری برای توسعه تعاملات، روابط و اشتراکات منطقه‌ای، بین‌المللی و به تعبیری آینده‌ایران در اولویت نبوده است.

دوماً ارائه لازم در دولت‌ها در مواجهه و تعامل بخش خصوصی و دولتی و انتقال منطقه‌ای تصدی‌ها و اختیارات به‌طور حاکمیتی به بخش خصوصی در حوزه اقتصاد و نیز دوری جستن دولتی‌ها و شبه دولتی‌ها از بنگاهداری و مداخله در امور اقتصادی و تجاری کشور نبوده و باید سیاست‌های کلان و نیز نگاه تا جایی پیش رفته که بعضاً با توجه به تفسیر شرایط تحریم و تنش‌های پیش آمده، دامنه مداخلات دولت گسترش یافته و در برخی موارد سه‌دوره توسعه شده است. سوماً زیرساخت‌ها و فرآیندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه اقتصاد، سیاست تجاری و نیز تربیت و به‌کارگیری منابع انسانی متخصص و مجرب در دو دهه اخیر چالش‌برانگیز شده است. این فرآیندها در منظر علمی، تجربی و تسلط بر فرآیندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تضعیف شده است، تا جایی که برخی تغییرات اساسی در زیرساخت‌های اداری و به‌ویژه تفرقات اداری و هزینه‌های هنگفت هم قابل ترمیم و بازسازی نیست.

چهارم اینکه از دو دهه قبل تا به امروز حجم نظامی از قوانین، مقررات و ضوابط در حوزه اقتصاد و در حوزه تجارت خارجی به‌ویژه صادرات غیر نفتی ایجاد شده که بسیاری از آنها غیر ضروری، فاقد اثربخشی و بعضاً مانع امر توسعه اقتصادی، تجارت خارجی و صادرات هستند و اساساً مخلوق سه عامل و دلیل قبلی هستند.

در هیچ کشوری با داشتن اهداف و چشم‌انداز بلندمدت توسعه، صادرات با توجیه و تفسیر الزام به مدیریت بازار، ارز، سرکوب نمی‌شود بلکه ارزیابی از صادرات باید خط‌مشی اصلی و راهبرد توسعه اقتصادی کشور باشد.

❖ اهتمام دولت برای تسهیل تجارت

وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه دولت چهاردهم به تجارت بین‌المللی توجه ویژه‌ای دارد، گفت: طرح اقداماتی در دولت‌های قبلی در حوزه انجام شده، اما پیمان‌های بین‌المللی اجرایی نشده بود که در دولت چهاردهم عملیاتی شد.

به گزارش روابط عمومی اتاق ارومیه، سیدمحمد اتابک در نشست با فعالان اقتصادی آذربایجان غربی، با بیان اینکه مزیت‌های استان در نظر گرفته شد و تجارت تسهیل شود، افزود: مشکلات گمرکی و صدور کارت بازرگانی با سرعت متعادل آذربایجان غربی از مزیت مرز بیش از این منافع شود. وی همچنین با اشاره به سهم ۴۰ درصدی از اشتغال صنعتی در آذربایجان غربی وجود دارد که این طرح‌های را، راکد ارزش‌افزوده استان را ۴۰۰ درصد تا ۵۰۰ درصد افزایش می‌دهد.

اتابک با بیان اینکه آذربایجان غربی استانی با تجارت و موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار منحصربه‌فردی است، افزود: هم‌زمان با سه کشور از مزیت‌های آذربایجان غربی مرز به مرز تجاری استانی باید بیشتر از رقم فعلی می‌بود و از این رو تسهیلگری در حوزه تجارت باید در دستور کار قرار گیرد.

اتابک همچنین با اشاره به مشکلات سامانه‌های مرزی استان، اضافه کرد: به پیگیری‌های صورت گرفته، سامانه‌های مرزی فعال شده و در حال ارائه خدمات هستند. وی در پایان بر لزوم توجه به راه‌های استان تأکید کرده و افزود: راه‌های واسطاتی آذربایجان غربی باید از شرایط بهتری برخوردار باشد.

صنایع کوچک

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ارومیه نیز در این نشست، با برشمردن مهم‌ترین دغدغه‌های تولید، صادرات و حمل‌ونقل استان، خواستار افزایش اعتبارات و تسهیل فرآیندهای صنعتی و رفع موانع جدی پیش روی فعالان اقتصادی شد. قاسم‌کریمی با اشاره به مشکلات جدی واحدهای تولیدی استان در فرآیند اخذ مجوز بازسازی و نوسازی ماشین‌آلات، تأکید کرد این چالش‌ها به‌طور مستقیم به‌هروزی و توان رقابتی صنعت استان را تهدید می‌کند.



رفت در بازار امتیاز صادراتی

مریم لطفی - در حالی که سیاستگذاران با هدف حمایت از صادر کنندگان خرد و متوسط و تسهیل بازگشت ارز از طرح «امتیاز صادراتی» رونمایی کردند، کارشناسان نسبت به مخاطرات ناشی از اجرای غیر شفاف آن هشدار می‌دهند. این طرح که قرار است از طریق یک بازار معاملاتی ثانویه عملیاتی شود، امتیازات قابل خرید و فروش را در اختیار برخی صادر کنندگان قرار می‌دهد.

بود. به گفته او، تشخیص بنگاه‌های دارای شرایط استفاده از این ابزار، بر عهده وزارت صمت است و این وزارتخانه بر اساس سیاست‌های تجاری خود، بنگاه‌های دارای شرایط، به بانک مرکزی معرفی خواهد کرد. اکنون که رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده، این بنگاه‌ها در یک بازار ثانویه می‌توانند با هم رقابت و نسبت به خرید و فروش امتیاز صادراتی اقدام کنند، ضمن اینکه بازار معاملات امتیاز صادراتی نیز به حل مشکلات مربوط به بازگشت ارز و افزایش انگیزه بازگشت آن از سوی این دسته از صادرکنندگان کمک خواهد کرد.

کارشناسان نسبت به مخاطرات ناشی از اجرای غیرشفاف آن هشدار می‌دهند. این طرح که قرار است از طریق یک بازار معاملاتی ثانویه عملیاتی شود، امتیازات قابل خرید و فروش را از اختیار برخی صادرکنندگان قرار می‌دهد؛ این امتیاز، فروش ارز حاصل از صادرات را بایمت توقیفی است، اما تعیین شمول و نحوه تخصیص امتیازها به دستگاه‌های اجرایی انگار شده که همین موضوع نگرانی‌ها را درباره امکان بروز رفتارهای سلیقه‌ای، رانت ارز و امضاهای طلایی افزایش داده است. با وجود آنکه هدف اصلی طرح، کمک به صادرکنندگان در ایفاي تعهدات ارز و اتصال سیستم‌های ارزی و تجاری سلیقه‌ای شده، اما این سیاست بستری را به وجود می‌آورد که می‌تواند زمینه لازم را برای بهره‌برداری از رانت ارزی فراهم آورد. کارشناسان معتقدند در صورت فقدان شفافیت و عدالت در اجرا، این سیاست می‌تواند به جای ابزار حمایتی، به بستن بادی، بر عدالت و تأکید امکا، اقتصاد دانه شود.

محبوبه قشوری: دولت در اقدامی جدید برای حمایت از صادرکنندگان در حوزه مجبیه مستوطه، از طرح «مستایز صادراتی» رونمای کرد. این طرح که با هدف تسهیل تجارت و حمایت از بازگشت از حاصل از صادرات تولید شده است، قرار است در قالب بازار آزاد با معامالت ثانویه، با صادرکنندگان مشمول، امروها مغفولی اکتا کند. به عقیده کارشناسان موقعیت طرح «مستایز صادراتی» در گرو غفایات کامل، اکر از صادرکنندگان اعمال سلیقه و نظارت دقیق بر عملکرد بازار ثانویه است. در غیر این صورت، ممکن است این راهکار حمایتی به معضلی جدید اقتصادی تبدیل شود و گری دیگر بر مشکلات تجاری کشور بیفزاید.

«انتیاز صادراتی»، کلیدواژه‌ای است که به تازگی به ادوات کارشناسی حوزه صادرات اضافه شده است. ماجرا این است که دولت با هدف حمایت از کسب و کارهای داخلی و تقویت انگیزه صادرکنندگان خرد و متوسط، در قالب قانون بودجه ۱۴۰۴، تصمیم به اجرای طرح جدیدی گرفته است. اکنون که مقامات ارشد بانک مرکزی می‌گویند، سیاستگذار ارزی مدتی است که در حال تدوین و اندازه‌گیری بازار معاملات انتیاز صادراتی است. این امر را نزدیکی هر چه بیشتر سیاست‌های ارزی و سیاست‌های تجاری اعلام کرده

امتیاز صادراتی چیست؟

امتیاز صادراتی ارز، به معنای حقی است که صادرکنندگان در قبال صادرات کالا و خدمات خود به‌دست می‌آورند و می‌توانند آن را در بازار ارز معامله کنند. این امتیاز در واقع سهمی از ارز حاصل از صادرات است که به صادرکننده تعلق می‌گیرد و او می‌تواند آن را به سامانه معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران به فروش برساند یا برای مصارف دیگر خود استفاده کند. به عبارت دیگر، این امتیاز به صادرکنندگان این امکان را می‌دهد که بخشی از ارز حاصل از صادرات خود را به جای نگهداری، به سایر مقاماتین از بفروشد و از این طریق، منابع ارزی بیشتری برای تأمین نیازهای ارزی کشور فراهم شود.

امتیاز صادراتی چیست؟

امتیاز صادراتی را، بر مبنای هزینه حمل و نقل و سایر مخارج، به صادرکنندگان در قبال صادرات کالا و خدمات خود به‌دست می‌آورند و می‌توانند آن را در بازار ارز مبادله کنند. این امتیاز را در واقع سهمی از ارز حاصل از صادرات است که به صادرکننده تعلق می‌گیرد و او می‌تواند آن را در سامانه معاملات بازار ارز تجاری می‌گزیند و برای مبادله ارز به دلای ایران به فروش برساند یا برای مصارف دیگر خود استفاده کند. به عبارت دیگر، این امتیاز به صادرکنندگان این امکان را می‌دهد که بخشی از ارز حاصل از صادرات خود را به جای نگهداری، به سایر متقاضیان ارز بفروشند و از این طریق، منابع ارزی بیشتری برای تأمین نیازهای وارداتی کشور فراهم شود.

تشکیل کارگروه تعیین سازوکار طرح «امتیاز صادراتی»
آنگونه که مقامات بانک مرکزی می‌گویند، تالار معاملات امتیاز صادراتی، تالاری است که جهت کشف قیمت امتیاز صادراتی برای صادرات غیر نفتی و خود کاربرد دارد و فعالیت در آن، می‌تواند هم از طریق بانک و هم از طریق صادرکنندگان انجام شود؛ اما به اعتقاد آنها، حالتی که انتقال ارز توسط بانک انجام شود، مطمئن‌تر است، هر چند در حالت دوم نیز، انتقال ارز می‌تواند با توافق طرفین و از سوی صادرکننده انجام شود. بر این اساس، بانک مرکزی با همکاری وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و سازمان توسعه تجارت (سه نمایندگی از وزارت صمت) کارگروهی را تشکیل داده‌اند تا

رویه تعیین سازوکار طرح «امتیاز صادراتی»

آنگونه که مقام بانک مرکزی می‌گوید، تالار معاملات امتیاز صادراتی، تالاری است که جهت کشف قیمت امتیاز صادراتی برای صادرات غیر نفتی و خود کار درباردار و فعالیت در آن، می‌تواند هم از طریق بانک و هم از طریق صادرکننده انجام شود؛ اما به اعتقاد آنها، حالتی که انتقال ارز توسط بانک انجام شود، مطمئن‌تر است، هر چند در حالت دوم نیز، انتقال ارز می‌تواند با توافق طرفین و از سوی صادرکننده انجام شود. بر این اساس، بانک مرکزی با همکاری وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و سازمان توسعه تجارت (به نمایندگی از وزارت صمت) کارگروهی را تشکیل داده‌اند تا

سازوکاری برای خرید و فروش امتیاز صادارتی فراهم کند. مطابق با آیین نامه امتیاز صادارتی که نسخه‌ای از آن در اختیار خبرنگار این اقتصاد قرار گرفته، بانک مرکزی مکلف است حداقل ظرف مدت یک هفته نسبت به تسویه ریالی ارز واگذار شده صادرکنندگان موضوع این آیین نامه به مرکز مبادله ارز و طلا اقدام کند. همچنین این بانک باید حداقل ظرف دو هفته نسبت به تخصیص ارز تسهیلاتی که ملزم به خرید امتیاز صادارتی شده است و پیش از درخواست تخصیص ارز امتیاز صادارتی لازم را خریداری و ابطال کرده است، اقدام کند. البته تا اینجا کار، به‌سبب‌های متفاوتی برای مبادله این امتیاز میان بازیگران در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین آنها، مرکز مبادله ارز و طلای ایران است. در آیین نامه به صراحت ذکر شده که بازار صادارتی همان بازاری است که قیمت گواهی امتیاز صادارتی بر اساس عرضه و تقاضای دارندگان این گواهی در آن، به صورت رقابتی تعیین می‌شود.

حالا سازمان توسعه تجارت که یکی از وظایف و رسالت‌هایش حمایت و تسهیل صادرات است به این نتیجه رسیده که بخشی از کالاهای صادراتی نیازمند تسهیل بوده و یکی از سازوکارهای عملیاتی، برگزاری پنخین‌ها صادراتی می‌باشد. است. بر این اساس سازمان توسعه تجارت ایران تلاش دارد تا بخشی از اختیارات تجاری خود را با اجرای کردن اختیارات بازرگانی بازگرداند تا با این مکانیسم، موضوع تجارت را از سیاست‌های ارزی جدا کند. به اعتقاد این سازمان، اختیارات صادراتی را به نرخ ارز صادراتی که در فرایند رفع تعهد ارزی به کار گرفته می‌شود، ربطی در این بین اختیاز با مشقوق در اختیار صادرکننده، معدن و تجارت قرار دارد و این می‌تواند به کالای خاص شرایط اختصاصی یابد.

وظایف کارگروه چیست؟

از سوی دیگر، تعیین مصادیق کالاهای صادراتی مشمول دریافت گواهی امتیاز صادراتی، تدوین سازوکار و قواعد بازار امتیاز صادراتی، تعیین کالاهای وارداتی ملزم به خرید امتیاز صادراتی، تعیین متولی نگارش دستورالعمل بازارگردانی امتیاز صادراتی، مدیریت و ایجاد تالوزن در بازار امتیاز صادراتی با سیاستگذاری عرضه امتیاز تولیدی و تقاضای امتیاز درخواستی از طریق تعیین امتیازها از جمله وظایف این کارگروه تعیین شده است.

اکنون که هیات وزیران تصویب کرده، کارگروه موظف است نهایت تا ۲۱ مردادماه جاری (۴۰ ماه از زمان تصویب آیین نامه که ۲۱ مردادماه ۱۴۰۰ بوده است)، فهرست کالاهای صادراتی و وارداتی منظر و قواعد و دستورالعمل‌های مربوطه را تعیین و به صورت عمومی ابلاغ کند؛ ضمن اینکه نهایتاً تا دو ماه پس از راهاندازی بازار امتیاز صادراتی، با توجه به تجربه اجرایی، ضوابط اعطا و بازگردانی، فهرست کالاهای صادراتی و وارداتی و قواعد بازار و دستورالعمل‌های بازارگردانی را تعدیل کند؛ البته باید دولت بر این است که به منظور حفظ ثبات و ایجاد امکان برنامه‌ریزی برای ذی‌نفعان، کارگروه در بازه‌های کوتاه‌تر از شش ماه، امکان تغییر فهرست کالاهای و ضوابط و دستورالعمل‌های بازار امتیاز صادراتی و هیچ‌گونه تعدیل دیگری در قواعد این بازار را مگر در صورت تغییر تعرفه‌های سالانه و مطابق با نگاشت رسمی تعرفه‌های قدیمی به جدید را نداشته باشد.

حالا اولین جلسه کارگروه امنیت صادراتی برگزار شده و قرار است کارگروه، کالاهای صادراتی را آنالیز کرده و به آن دسته از کالاهایی که بیشترین پیشرفت برای صادرات دارند، امنیت بالاتری بدهد که بر این اساس امنیت بیشتری شود در وهله اول. مشمولان بند دو ایننامه اجرایی اقدام می‌نمایند به باجاق کالا و از حد عمده کالاهای کشاورزی و از دسته آن اقلام صنعتی هستند که در مواد اولیه تولید آنها، از انرژی ابراز و از دولتی استفاده نشده، امنیت صادراتی خواهند گرفت؛ چراکه رفع تعهد ارزی آنها هم اکنون در مرکز مبادله ارز و طلا، با نرخه کمتر از نرخ بازار آزاد صورت می‌گیرد و امکان ایفای تعهدات با شرایط تعیین شده در مورد آنها را ندارد.

در نهایت، سازمان توسعه تجارت باید لیست کالاها را احصا و میزان امتیاز را تعیین کند تا در نهایت، این امتیازها به صورتی در مقابل یکسری از کالاهای وارداتی که از عمدتاً اقلامی همچون موبایل، تبلت، قطعات الکترونیکی و مواردی از این دست هستند قرار گیرد به نحوی که این واردکنندگان، از خودشان برای مرکز مبادله دریافت می کنند و باید امتیاز صادراتی در زمان ثبت سفارش کالاهای خود به وزارت معارف ارائه دهند تا بتوانند به مرحله بعدی کار واردات و تخصیص و تأمین ازی است، را پاینده. اما آنچه اهمیت دارد، جلوگیری از شکل گیری امضاهای طلایی برای تعیین این امتیازها و همچنین رفع نکات منفی حاشیه ای است که ممکن است پیرامون این شکل بگیرد.

نیز خبر گفت: این بلندگوها می‌توانند در زمان بروز بحران کارکرد اعلام هشدار نیز کنند.

اصلی شهر نصب شده و در حال توسعه است. به گزارش «ایستنا»، مهدی بابایی با اظهار کرد: این بلندگوها در شرایط عمومی در زمان آذان به پخش آذان می‌پردازد.

معمومی استفاده کنیم، اظهار کرد: در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه وزارت ارتباطات ناچار وقتاً مسدود کنند و در این شرایط اطلاع‌رسانی با تلفن همراه روش درستی نیست، از این موارد نصب سیستم‌های اعلان عمومی است.

محدودیت ارزش کالاهای اساسی

فی افزود، در همین حال بنظر می‌رسد که با تخصیص ارز ترجیحی به برخی کالاها، میزان تقاضا برای آنها افزایش یافته است. قاچاق و همچنین افزایش رغبت خلوارها را همراهی کرده و به تحولات شمول ارز ترجیحی، دلایل ترش تقاضا برای خرید ارز به عنوان یک محصول از ترجیحی پام می‌شود. بنابراین نیاز به منابع ارزی بیشتری برای آن ان کالاها دارد. عبداللهی گفت: در چنین شرایطی با توجه به محدودیت‌های ارزی و سیاستگذاران ناچار به مدیریت منابع خود هستند. درنتیجه با باید اقدام به حذف رنجی به برخی از محصولات کنند. با همچون راول فعلی درصد ارز ترجیحی تخصیص به برخی کالاها را محدود کنند.

نتیجه گفت: در سال ۱۴۰۱ شاهد تحویل سیاست‌های حمایتی دولت وقت بودیم. در آن بهشت‌های معدود تئوریک مانند صاحب‌نظران اقتصادی در خصوص مبادی و معایب برنامه رهاکارهای مطرح بود. اما اکنون دولت با محدودیت ارزی مواجه است. نیاز ارزی دولت آتیه بالاتر از حدود آن است. در چنین شرایطی دولت با پدید برخی اقلام از اسید میوه‌ای و ترنجبینی حذف کند و از نسبت تخصیص ارز ترجیه‌ای که برای اقلام مختلف میوه‌ای و ترنجبینی در نظر می‌گیرد رهاکار دوم که از سوی دولت انتخاب شده، منطقی است.

باید در برهه حساسی قرار داد، ضرورتی که می‌تواند قیمتی به‌خصوص برای برخی سولات بر مصرف نگران است. در نتیجه به دنبال آن است تا با چنین راهکارهایی در آثار بر مصرف نگران از ترجیحی بگذارد. وی در پاسخ به سوالی می‌آید که چرا به تصمیم این دولت مبنی بر تغییر نسبت تخصیص از ترجیحی به برخی کالاها بر عملکرد ضایع بودن در ردید چند تغییراتی بهتر است در قالب برنامه آمودم اجرایی شوند. باین‌جود، این چنان طرح‌هایی انتظار می‌رود به رشد تورم آلامد کالایی منجر شود. به طور کلی، به‌یاد بتری برای ما در مواجهه با این شرایط و اثرات آن به بیان دیگر انتظار می‌رود. سیاست‌های به‌طور درجه‌ای اجرایی شوند تا از تورمی حاصل از آن، کنترل شود.

تکمیل سیاست ارزی

تبدیلی در پاسخ به سؤالی مبنی بر ضرورت اصلاح سیاست‌های ارزی هیرمان با تعدیل قیمت‌گذاری دستوری گفت: بسیاری از کالاهای مشمول دریافت ارز ترجیحی به واسطه به این مشمول نمی‌باشند. با این‌وجود در حالت عادی انتظار می‌رود هوش از ترجیحی تخصیص یافته به این کالاها، سیاست قیمت‌گذاری دستوری نیز تعدیل را بنماید. فراموش کردیم که اکنون کشور در شرایط ویژه‌ای قرار دارد. اقتضای سیاست‌گذاری شرایط صرفی تفاوت‌هایی با شرایط عادی اقتصادی دارد. بنابراین در این دوره مشخص، منافع عمومی‌کننده نهایی باید در دستور کار قرار گیرد. در ادامه سیاست‌گذاران انتظار می‌رود قیمت‌گذاری دستوری را نیز متوقف کنند.

[illegible]

دولت امروز نیز برای واردات کالاهای اساسی، «ترجیحی» و مابقی با نرخ «میان باطله» می‌شود. اجرای این سیاست می‌تواند باعث افزایش قیمت مواد خوراکی شود. با این بار برخی کارشناسان معتقدند که در شرایط فعلی کشور، دولت ناگزیر به برقراری تعادلی در «تامین مایحتاج مردم با حداقل قیمت» و «ثبات در ذخایر ارزی» است؛ تناسبی که نیت اقتصادی کشور از افزایش می‌دهد.

تخلیه کشتی حامل گندم وارداتی

مریضه احمقی، تخصصی ارز ترجیحی به کالاهای اساسی همواره یکی از موانع توسعه برایکن در اقتصاد ایران بوده است. در هفته‌های اخیر نیز شاهد تغییراتی در نسبت تقاضای این تخصصی یافته به کالاهای اساسی بودیم. این تغییرات در شرایطی اجرایی شود که مسئولان دولتی تا خرداد ماه بر تداوم تامین ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی تاکید داشتند. بنابر این احتمالاً کشور با محدودیت منابع ارزی برای تامین کالاهای اساسی راجه است. در همین حال به نظر می‌رسد تقاضای برای این محصولات در بازار داخلی رشد نامتوجهی داشته است. فارغ از دست‌نخورتنی سیاست‌های ارزی دولت، باید تاکید کرد که این تغییرات چندباره اثرات منفی بر تولید و تجارت خواهد داشت. به این معنی که بالان صنعتی و تجاری عملاً امکان برنامه‌ریزی برای آینده را نخواهند داشت. در همین حال ادامه نقش دولت در حلقه‌های بعدی مصرف در قالب سیاست قیمت‌گذاری با کم توجهی به مردم، به کاهش تخصصی ارز ترجیحی و همچنین وظیفه سیاست‌گذاران در حمایت از سبب، به نواند لطامت جدی را به رخ می‌مصرف کنندگان، تحمیل کند.

سیاست‌های ارزی دولت چهاردهم با وعده‌هایی که هر از گاهی از سوی مسئولان طرح می‌شود، منطبق نیست. بدون تردید چنین تغییرات خارج از برنامه رزندهای تجارت خارجی را تحت تأثیر اثر می‌داند. دولت مسعود پشتیبان از روزهایی تا پیش از بهار ۱۳۹۰، وعده کاهش تعداد نرخ‌های ارز را داد. این وعده گمانه‌هایی را مبنی بر کاهش فاصله میان نرخ‌های مختلفی، اختلاف نرخ، تقویت کرد و باید بر عمل همان راهکارهای قدیمی تکرار داد. البته بخشی از این تغییر موضع گیری را باید به شرایط خاص کشور نسبت داد. لیکن به‌دوجه ۱۴۰۴ و همچنین موضوع اولیه مجلس در مورد واردات کالاهای اساسی سال ۱۴۰۴ نرخ ارز به ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان تغییر کرد، اما این مصوبه در نهایت تأیید شد. در همان زمان نیز میزان خانلو سنگخوی ستاد بودجه ۱۴۰۴ اعلام کرد بود که ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان است. به مغایرت با برنامه هفتم توسعه و تأثیر آن بر معیشت مردم وارد اشکال است.

در ادامه محضرها عارف معاون اول رئیس جمهور در جلسه ستاد تنظیم بازار که در سال ۱۳۹۰ برای اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ برگزار شد، اعلام کرد که نرخ ارز کالاهای اساسی برای سال ۱۳۹۱ با همان نرخ مصوب ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی ثابت خواهد شد. همچنین تاکید کرد: «از آن روزی که برای تامین این کالاهای تغییر ی نخواهد کرد. گفتنی است دولت طی سال ۱۴۰۰ حدود ۱۴ میلیارد دلار از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به واردات کالاهای اساسی و دارو تخصیص داده بود.

و وعده‌های مسوولان دولت چهاردهم مبنی بر حفظ ارزش ترجیحی بارها تکرار شده است.

تغییر دست فرمان یا اجبار؟
 محمدرضا عبداللہی: پژوهشگر اقتصادی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی سیاست جدید دولت در خصوص تغییر نسبت ارز ترجیحی تخصیص یافته به برخی کالاها گفت: «تأمین کالاهای اساسی و پر مصرف مردم با ارز ترجیحی یا واقعی‌سازی قیمت از مورد بار برای تأمین آنها، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در این سال‌ها از سوی اقتصاددانان و سیاست‌پژنان اقتصادی، مورد بحث قرار گرفته است.»

وی افزود، برخی از اقتصاددانان به تداوم سیاست تخصیصی از ارزان با هدف کاهش تورم و حمایت از معیشت خانواده‌ها تاکید دارند. در همین حال آثار سوء این سیاست بر اقتصاد از سوی برخی دیگر از اقتصاددانان مورد توجه است. این پژوهشگران اقصاء ارز را اکنون به صورت مسأله نقاط قوت و ضعف تخصیصی از ترجیحی و اختلاف میان دو طیف فکری در دولت نیست. در حال حاضر میزان ارز دولت که می‌خواهد به کالاهای اساسی تخصیص دهد، مورد بحث است. یعنی دولت ناچار است متناسب با ارزی که در اختیار دارد، نیازهای شش‌ای مختلف اقتصاد را تأمین کند.

♥ شروع ثبت‌نام وارداتی‌ها

روز گذشته، مدیر طرح واردات خودرو وزارت صمت از دو رویداد مهم در حوزه واردات خودرو خبر داد. به گفته مهدی ضیعی، به‌زودی سایت جدیدی برای عرضه خودروهای وارداتی راه‌اندازی خواهد شد که جایگزین سامانه عرضه یکپارچه فعلی می‌شود. وی همچنین تأکید کرد که فرآیند عرضه خودروهای وارداتی به بازار، به‌زودی آغاز خواهد شد.

با اعلام این دو خبر حالا به نظر می‌رسد وزارت صمت گام جدیدی در راستای تسهیل و تسریع فرآیند ثبت‌نام و فروش خودروهای وارداتی برداشته است. در همین ارتباط، مدیر طرح واردات خودرو وزارت صمت از سایت جدیدی به آدرس **salecars.ir** به‌عنوان پلتفرم اصلی عرضه رونمایی کرد. ضیعی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس همچنین از قریب‌الوقوع بودن عرضه جدید خودروهای وارداتی در این سایت، خبر داده است. مدیر طرح واردات خودرو در ادامه عنوان کرده که شروع فرآیند وکالتی کردن حساب برای متقاضیان از هفته جاری آغاز خواهد شد.

در حالی وزارت صمت از تغییرات جدید در سامانه و نحوه عرضه خبر داده که پیش‌تر وعده‌هایی مبنی بر تحویل ۴۵ روزه خودروهای وارداتی در مشترترین مطرح شده بود، ۲۴ تیرماه، مهدی تقدسی مدیر سامانه یکپارچه فروش خودروهای وارداتی از تغییراتی در عرضه خودرو در سامانه فروش خبر داده بود و اظهار کرد که در ۱۴۰۴ عرضه خودروهای وارداتی به صورت فروش قوری با زمان تحویل حداکثر ۴۵ روزه خواهد بود. حال سوال اصلی اینجاست که آیا در این دور جدید ثبت‌نام نیز این وعده پابرجا خواهد بود؟ آیا متقاضیان می‌توانند امیدوار باشند که خودروی مورد نظر خود را در بازه زمانی کوتاه‌تری تحویل بگیرند؟ این پرسش‌ها و ابهامات، چشم‌انداز روشنی پیش روی بازار خودروهای وارداتی قرار نداده و نیازمند شفاف‌سازی بیشتری از سوی مسئولان و متولیان امر است.

ضمن اینکه باز و بسته شدن سامانه یکپارچه عرضه خودروهای وارداتی تنها طرف چند ساعت در بیست‌وچهارم تیرماه نیز نگرانی‌ها نیست فرآیند ثبت‌نام و تحویل خودرو را افزایش داده است. این روز، اطلاعاتی‌ای درباره طرح جدید فروش خودروهای وارداتی و همچنین عنوان خودروها و مبلغ علی‌الحساب در سامانه یکپارچه فروش قرار گرفت اما ساعاتی بعد بدون هیچ توضیحی از دسترس خارج و مسئولان مربوطه را ناچار به توضیحاتی در این زمینه کرد؛ موضوعی که با واکنش متقاضیان خرید خودروهای وارداتی نیز همراه شد.

همچنین، با توجه به اینکه بیش از چهار ماه از سال جاری می‌گذرد و به دلیل نبود این‌نامه برای واردات خودرو و سپس اصلاح آن در میانه جنگ و چالش‌های موجود مثل مسائل ارزی، تحریرها و موانع گمرکی، سناریوی تأخیر در ثبت‌نام خودروهای وارداتی قوت می‌گیرد. در این صورت انتظار می‌رود وزارت صمت با اطلاع‌رسانی شفاف و ارائه دلایل منطقی، از ایجاد نارضایتی در میان متقاضیان خودروهای وارداتی جلوگیری کند. فعلا باید راندازی سایت برای عرضه خودروهای وارداتی را گامی جدید در راستای تسهیل و تسریع در امر واردات دانست و آن را به فال نیک گرفت، هرچند در ادامه وزارت صمت باید با اتخاذ تدابیر لازم و هماهنگی با شرکت‌های واردکننده، بتواند فرآیند ثبت‌نام ترخیص و تحویل خودروها را سرعت بخشد و وعده تحویل ۲۵ روزه را عملی کند. این امر می‌تواند با تسهیل فرآیندهای گمرکی و تسریع در نقل و انتقالات بانکی زمینه ورود ۹۰ هزار دستگاه خودروی وارداتی را محقق کند.

♥ افزایش سهم آب تهران از سد طالقان

مدیر امور مهندسی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران گفت که با بهره‌برداری از فاز اول خط لوله انتقال آب از سد طالقان تا پایان مردادماه، شاهد انتقال ۲.۵مترمکعب سهم البرز از خط جدید خواهیم بود که به معنای افزایش سهم تهران در خط قدیم تا پنج مترمکعب بر ثانیه است.

به گزارش ایرنا، احسان استحمای روز سه‌شنبه در جریان بازدید رسانه‌ها از پیشرفت خط لوله انتقال آب زیاران – بیلقان، در جمع خبرنگاران افزود: پروژه عظیم انتقال آب از سد طالقان به استان‌های تهران و البرز به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شود. وی ادامه داد: اکنون در کیلومتر ۵۴ خط انتقال قراو داریم؛ نقطه‌ای که از مجموع ظرفیت ۵ مترمکعب در ثانیه، ۲.۵مترمکعب بر ثانیه آب سهم استان البرز به تصفیه‌خانه شماره ۲ البرز تحویل می‌شود.

مدیر امور مهندسی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران خاطرنشان کرد: ۵۳ کیلومتر از ۵۴ کیلومتر خط لوله اجرا شده و عملیات نصب شیرالات نیز در حال انجام است. استحمای گفت: ایستگاه کاشش فشار در این محل، فشار خط را از حدود ۱۲ بار به ۲ بار کاهش می‌دهد تا شرایط مناسب برای تصفیه در تصفیه‌خانه فراهم شود. وی افزود: پس از این نقطه، خط انتقال تا آب‌گیر بیلقان ادامه پیدا می‌کند و در آنجا نیز ۲.۵مترمکعب سهم استان تهران به خط اضافه می‌شود تا ظرفیت کامل متمرکعب در ثانیه عملیاتی شود.

یکی از پایه‌های اصلی افزایش صادرات انرژی آمریکاست، در ماه‌های گذشته به‌دلیل کاهش سرمایه‌گذاری، افت قیمت‌ها و چالش‌های فنی با کاهش نرخ رشد مواجه شده است. همچنین زیرساخت‌های صادراتی به‌ویژه در بخش گاز طبیعی مایع (LPG)، همچنان محدود بوده و ظرفیت آن پاسخ‌گوی چنین جهش تقاضایی از سوی اروپا نیست. از این گذشته، بسیاری از پروژه‌های صادراتی انرژی آمریکا هنوز در مراحل برنامه‌ریزی یا ساخت قرار دارند و تحقق کامل آنها ممکن است تا سال‌ها به طول انجامد.

به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند این توافق اگرچه از منظر سیاسی و تبلیغاتی برای هر دو طرف سودآور است، اما در واقعیت، نه می‌تواند به‌طور کامل اجرا شود و نه تضمینی برای تحقق اهداف تجاری آن وجود دارد. گرچه اعلام این توافق باعث شد ارزش سهام برخی از شرکت‌های انرژی آمریکا مانند Venture Global، Cheniere Energy و NextDecade افزایش یابد و برخی تحلیلگران آن را نشانه‌ای از رونق صادرات LNG از سواحل خلیج مکزیک تلقی کردند، اما این خوش‌بینی اولیه دیری نپایید.

آمار صادرات انرژی آمریکا

واقعیت این است که در سال ۲۰۲۴، صادرات کلی انرژی آمریکا به تمامی کشورها تنها ۳۱۸میلیارد دلار بوده که از این میان، فقط حدود ۷۶میلیارد دلار آن سهم اروپا بوده است. بنابراین، رساندن این رقم به ۲۵۰میلیارد دلار در سال، مستلزم آن است که نه‌تنها عمده صادرات انرژی آمریکا به اروپا اختصاص یابد، بلکه قیمت انرژی نیز به‌صورت مصنوعی بالا بماند. افزون بر این، کشورهایی چون ژاپن و کره‌جنوبی نیز به‌تازگی وارد توافقی‌هایی برای گسترش واردات انرژی از آمریکا شده‌اند، که این رقابت می‌تواند فشار مضاعفی بر عرضه وارد کرده و قیمت جهانی انرژی را افزایش دهد.

این موضوع می‌تواند موجب بالا رفتن هزینه سوخت و برق در دو سوی آتلانتیک شود و پیامدهای سیاسی و اقتصادی سنگینی برای دولت‌ها به همراه داشته باشد. درحالی‌که برخی شرکت‌های آمریکایی مانند Venture Global از این توافق استقبال کرده‌اند و آن را فرصت مناسبی برای پیشبرد طرح‌های سرمایه‌گذاری و عقد قراردادهای بلندمدت فروش تلقی می‌کنند، کارشناسان انرژی در اروپا رویکردی محتاطانه‌تر دارند.

به‌ویژه آن که کمیسیون اروپا، برخلاف برخی تصورات، خود خریدار مستقیم انرژی نیست و نمی‌تواند شرکت‌ها را به عقد قراردادهای خاصی وادار کند. «بیل فارن-پرایس»، رئیس بخش مطالعات گاز در موسسه آکسفورد نیز تأکید کرده که بیشتر واردات انرژی اروپا از سوی شرکت‌های خصوصی انجام می‌شود و در شرایطی که تقاضای گاز در اروپا در حال کاهش است، چنین تعهداتی نه عملی است و نه ضروری. از سوی دیگر، تحلیلگران موسسه ICIS نیز هشدار داده‌اند که برای رسیدن به اهداف این توافق، یا باید قیمت‌های گزافی برای LNG پرداخت شود یا اروپا مجبور خواهد شد حجم بیش‌از حدی از گاز وارد کند که ظرفیت جذب آن را ندارد.

تقاضای نفت در اروپا

با توجه به این‌که تقاضای نفت در اروپا سال‌هاست روند نزولی یافته و برنامه‌های رسمی اتحادیه برای کاهش واردات انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۸ همچنان در جریان است، این توافق با اولویت‌های راهبردی اروپا در تضاد است. آمارها نشان می‌دهند که در سال گذشته میلادی، اروپا حدود ۴۵میلیارد مترمکعب LNG از آمریکا وارد کرده که تقریباً نیمی از واردات گاز روسیه در همان سال بوده است. اما حتی جایگزینی کامل گاز روسیه با انرژی آمریکایی نیز به‌تنهایی برای رسیدن به هدف ۲۵۰میلیارد دلار کافی نیست، به‌ویژه آن‌که طبق داده‌های موجود، آمریکا باید ظرفیت صادرات LNG خود را به‌مراتب بیش از برنامه‌ریزی‌های فعلی تا سال ۲۰۳۰ افزایش دهد.

در حالی‌که وعده واردات ۷۵۰میلیارد دلار انرژی آمریکا به اروپا همچنان محل بحث و تردید است، تحقق چنین هدفی در گرو سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌های مایع‌سازی گاز طبیعی (LNG)، توسعه ناوگان حمل‌ونقل انرژی، و احداث یا به‌روزرسانی پایانه‌های وارداتی در کشورهای اروپایی خواهد بود. به‌ویژه آن‌که ظرفیت‌های فعلی اروپا برای واردات LNG از آمریکا هنوز فاصله زیادی با چنین حجمی دارد. هر چند یکی از مقامات ارشد اتحادیه اروپا در واکنش به نقادها و تردیدها، تأکید کرده که این ارقام «از آسمان نیامده‌اند» و مبتنی بر پتانسیل‌های واقعی طراحی شده‌اند، اما خود او نیز اذعان داشته که تحقق آن وابسته به اراده سرمایه‌گذاران، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌های خصوصی و چشم‌اندازهای تجاری آینده است، نه دستورات و توافقی‌های سیاسی میان دولت‌ها. در واقع، این‌که شرکت‌های انرژی‌بر اروپایی حاضر باشند به‌طور مداوم گاز یا نفت را با قیمت بالاتر از بازارهای دیگر از آمریکا خریداری کنند، بدون مشوق‌های مشخص و ضمانت‌های مالی، بسیار بعید به نظر می‌رسد.

تجربه شکست‌خورده ترامپ

در همین چارچوب، بسیاری از تحلیلگران به تجربه شکست‌خورده ترامپ در توافق تجاری سال ۲۰۲۰ با چین اشاره می‌کنند؛ توافقی که پکن را موظف می‌کرد در مدت دو سال بیش از ۲۰۰میلیارد دلار کالا و خدمات آمریکایی وارد کند، اما در عمل تنها بخش کوچکی از آن تحقق یافت و در نهایت کنار گذاشته شد. این تجربه، به‌عنوان یک نمونه هشداردهنده، بار دیگر بر این نکته تأکید می‌گذارد که بلندپروازی‌های تجاری در غیاب بسترهای اجرایی مناسب، بیشتر جنبه تبلیغاتی و سیاسی می‌یابد تا اقتصادی و واقع‌بینانه. از همین رو، بسیاری از کارشناسان اقتصادی و انرژی‌بر این باورند که وعده واردات ۷۵۰میلیارد دلار انرژی از سوی اروپا، در بهترین حالت تنها زمانی قابل تحقق خواهد بود که همزمان با تدوین مکانیسم‌های اجرایی دقیق، سرمایه‌گذاری‌های فوری در حوزه زیرساختی انجام شود، مشوق‌های مالی مشخص در نظر گرفته شود، و مهم‌تر از همه، بازار آزاد انرژی نیز منطقی برای این نوع خرید گسترده و هدفمند از آمریکا داشته باشد.در غیاب این عناصر کلیدی، این وعده نه‌تنها عملی نخواهد شد، بلکه ممکن است به یک برگ تبلیغاتی دیگر در کارزار انتخاباتی ترامپ بدل شود؛ طرحی پرزرق‌وبرق اما تپی از شالوده عملی.

معدنکاری با کمک همزاد دیجیتا

بهره گرفته که به کاهش خطاها و بهبود عملکرد منجرشده‌است.

از آهن تا فلزات گران‌بها

بخش آهن و فول‌الایژها در سال ۲۰۲۳ با سهمی بیش از ۳۵ درصد، بزرگ‌ترین بخش

بازار معدنکاری دیجیتال در صنایع معدنی بوده‌است. تقاضای فزاینده برای فولاد در صنایع ساخت‌وساز، حمل‌ونقل، ماشین‌الات سنگین و کالاهای مصرفی، پذیرش فناوری‌های دیجیتال را در این بخش تسریع کرده است. شرکت‌هایی مانند انگلو امریکن، رپو تینتو و واله از فناوری‌های دیجیتال برای بهینه‌سازی تولید استفاده می‌کنند. فلزات غیر آهنی مانند آلومینیوم، مس و روی نیز به دلیل تقاضای روبه‌رشد در خودروهای برقی و باتری‌ها، شاهد دیجیتالی شدن عملیات هستند. آلومینیوم به دلیل وزن سبک، در خودروسازی برای بهبود بهره‌وری سوخت و کاهش آلودگی محبوبیت یافته است. شرکت‌های فلزات گران‌بها مانند نیوموت، باریک گولد و گولد‌کورپ نیز از پیشگامان دیجیتال کردن فرآیندهای تولیدی هستند و از فناوری‌هایی مانند ناوگان خودکار و تحلیل پیشرفته برای بهینه‌سازی چرخه عمر معادن استفاده می‌کنند.

روندهای منطقه‌ای

در سال ۲۰۲۳، آمریکای شمالی با در اختیار داشتن بیش از ۲۶ درصد از بازار جهانی معدنکاری دیجیتال، به عنوان پیشگام این مسیر شناخته می‌شود. این پیشروی تاریخی، حاصل پذیرش زودهنگام فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این حوزه است. برای نمونه، شرکت نیوموت در سال ۲۰۱۸ با همکاری شرکت کاترپیلار، پروژه‌ای مشترک را برای بهینه‌سازی استخراج سنگ سخت زیرزمینی آغاز کرد. در اروپا نیز، پروژه X-mine که با حمایت اتحادیه اروپا در سوئد اجرا می‌شود، با بهره‌گیری از فناوری‌های حسگر پیشرفته مانند ترکیب دید سه‌بعدی و پروتوهای ایکس، به دنبال کاهش مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسیدکربن است.

روسیه با تکیه بر ذخایر عظیم بوکسیت، نیکل و مس، بیش از ۳۷ درصد بازار معدنکاری دیجیتال اروپا را در اختیار دارد. در منطقه آسیا-اقیانوسیه که با سهمی ۴۰ درصدی، بزرگ‌ترین بخش از درآمد بازار معدنکاری دیجیتال را در سال ۲۰۲۳ به خود اختصاص داده، رشد سریع تولید معدنی و گسترش اتوماسیون، به‌ویژه در چین و استرالیا، نقشی کلیدی داشته‌است. چین با تولید ۲۸ ماده معدنی کلیدی، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال را گسترش داده و هند نیز با نرخی متوسط، به‌ویژه در شرکت‌های دولتی، در مسیر توسعه قرار دارد.

در آمریکای مرکزی و جنوبی، کشورهایی همچون پرو و شیلی با برخورداری از منابع غنی فلزات، موجب شده‌اند این منطقه سهمی بیش از ۷ درصد از بازار را به خود اختصاص دهد. در این میان، شیلی با تأمین مس موردنیاز برای خودروهای برقی، حدود ۲۸ درصد از بازار منطقه را در اختیار دارد. در نهایت، منطقه خاورمیانه و آفریقا با نرخ رشد سالانه



راستی آزمایی تعهد نفتی اروپا

❗ لایلا جلیلووند – توافق تجاری اخیر میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا که در جریان دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، واورزولافن در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، اعلام شد، در ظاهر گامی رو به جلو در روابط تجاری و انرژی دو سوی آتلانتیک محسوب می‌شود.

بر پایه مفاد اعلام‌شده، شرکت‌های اروپایی متعهد شده‌اند که طی سه سال آینده، هر سال رقمی معادل ۲۵۰میلیارد دلار انواع حامل‌های انرژی شامل نفت خام، گاز طبیعی مایع (LNG) و حتی فناوری‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای را از آمریکا وارد کنند؛ عددی که در مجموع به ۷۵۰میلیارد دلار خواهد رسید و در صورت تحقق، به یکی از بزرگ‌ترین توافقی‌های انرژی تاریخ تبدیل می‌شود.

با این حال، بسیاری از تحلیلگران برجسته بازار انرژی این تعهد را بیش از آن‌که بر اساس ظرفیت‌های واقعی بازار و نیازهای فعلی اروپا باشد، ناشی از اهداف سیاسی و نمایشی می‌دانند و معتقدند چنین رقمی نه‌تنها با زیرساخت‌های موجود صادراتی آمریکا همخوانی ندارد، بلکه با روند کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی در اروپا و محدودیت‌های بودجه‌ای و زیست‌محیطی شرکت‌های خریدار نیز در تضاد است.

از همین رو، برخی ناظران با تمسخر این وعده، آن را توافقی «نوشته‌شده در آسمان» توصیف کرده‌اند که تحقق آن نه‌تنها نیازمند تغییرات بنیادین در ساختار انرژی اروپا و افزایش چشم‌گیر صادرات ایالات متحده است، بلکه باید بر موانع سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی گسترده‌ای نیز غلبه کند.

در شرایطی که اروپا با شتاب در مسیر کربن‌زدایی و گذار به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت می‌کند و سیاست‌های اقلیمی روزبه‌روز جایگاه پررنگ‌تری در دستور کار اتحادیه اروپا می‌یابد، بسیاری از تحلیلگران این پرسش بنیادین را مطرح می‌کنند که چگونه می‌توان شرکت‌های خصوصی اروپایی را ملزم کرد که تا سه سال آینده چنین حجمی از انرژی را صرفاً از ایالات متحده وارد کنند.

تضاد با قوانین نظام بازار آزاد

در نظام بازار آزاد اروپا، تصمیم‌گیری درباره واردات انرژی اغلب در حیطه اختیارات شرکت‌های مستقل و غیردولتی قرار دارد و دولت‌ها در اغلب موارد نقش تنظیم‌گر و ناظر دارند، نه مداخله‌گر مستقیم. از این رو، تصور اینکه بتوان این شرکت‌ها را به الزام خرید نفت، گاز یا LNG از آمریکا وادار کرد، نه تنها با قوانین رقابت آزاد در تناقض است، بلکه با اصول اقتصادی مدیریت هزینه‌ها نیز همخوانی ندارد.

به گفته «مت اسمیت»، تحلیلگر ارشد موسسه Kpler، شرکت‌های اروپایی به دلیل تعهدات مالی در قبال سهامداران خود ناچارند ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین منابع انرژی را برگزینند و در چنین شرایطی، انتخاب آمریکا به عنوان تنها تأمین‌کننده، می‌تواند منافع اقتصادی آنان را به خطر بیندازد، مگر آن‌که با مشوق‌ها و امتیازات استثنایی همراه باشد. از سوی دیگر، تمرکز بر سخنرانی رسمی خود از این توافقی به‌عنوان «بزرگ‌ترین توافق تجاری انرژی در تاریخ آمریکا» یاد کرد و آن را موفقیتی برای شعار معروفش یعنی «سلطه انرژی آمریکا» بر جهان دانست؛ شعاری که طی دوره ریاست‌جمهوری‌اش در کنار سیاست حفاری گسترده در حوزه‌های شیل و کاهش محدودیت‌های محیط‌زیستی دنبال می‌شد.

اما واقعیت میدانی صنعت انرژی ایالات متحده با آنچه ترامپ ترسیم می‌کند فاصله قابل‌توجهی دارد. تولید نفت شیل که

یکی از محورهای «سومین همایش جامع معدن و صنایع معدنی دنیای اقتصاد»، معدنکاری دیجیتال و انقلاب صنعتی چهارم و آینده نوآوری در صنایع معدنی است. در همین راستا بررسی تحولات در این حوزه اهمیت زیادی دارد. در سال ۲۰۲۳، ارزش بازار جهانی معدن‌کاری دیجیتال ۸۰۴میلیارد دلار برآورد شده است. پیش‌بینی می‌شود ارزش این بازار با نرخ رشد سالانه ۹٫۸ درصد، تا سال ۲۰۳۰ به ۱۸۰۱۱میلیارد دلار برسد. افزایش نیاز به ایمنی کارگران معدن، فشارهای زیست‌محیطی و ضرورت بهینه‌سازی هزینه‌ها، این صنعت را به سمت پذیرش فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا (IoT) و روباتیک سوق داده است.

این گزارش با استفاده از داده‌های موسسه تحقیقات بازار «Grand View Research» به بررسی روندها، چالش‌ها و فرصت‌های بازار معدنکاری دیجیتال در سال ۲۰۲۵ می‌پردازد. افزایش حوادث در روش‌های سنتنی حفاری و اکتشاف، تقاضا برای راهکارهای دیجیتال را افزایش داده است. فناوری‌های نوین مانند الگوریتم‌های یادگیری عمیق و تصویربرداری استریو برای ایجاد نقشه‌ها و مدل‌های سه‌بعدی دقیق، نظارت ۲۴ ساعته و تحلیل انداز ذرات را بدون نیاز به ابزارهای سنتی فراهم کرده و نیاز به نیروی کار ساده را کاهش داده‌اند. اینترنت اشیا (IoT) نیز، نه‌تنها ایمنی در معادن عمیق زیرزمینی را بهبود بخشیده، بلکه با استفاده از وسایل نقلیه و ماشین‌الات بدون سرنشین که از راه دور کنترل می‌شوند، اثرات زیست‌محیطی را کاهش داده است.

پیشتازی اتوماسیون

در سال ۲۰۲۳، بخش اتوماسیون و روباتیک با سهمی بیش از ۴۳ درصد، بزرگ‌ترین بخش بازار معدنکاری دیجیتال بوده‌است. برای مثال، شرکت BHP استرالیا با همکاری مایکروسافت از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای افزایش بازایافت مس در معادن خود استفاده کرده و انتظار می‌رود این فناوری تولید و ارزش معادن را در آینده افزایش دهد. تحلیل آنی داده‌ها نیز با پشتیبانی از عملیات از راه دور و نگهداری پیش‌گویانه (PDM)، به رفع سریع مشکلات عملیاتی کمک کرده است. شرکت «روی هیل» نیز از تکنیک‌های دیجیتال برای ارائه داده‌های لحظه‌ای به زنجیره تأمین و تقاضا استفاده می‌کند. امنیت سایبری نیز به دلیل افزایش عملیات دیجیتال، اهمیت فزاینده‌ای در صنایع معدنی، پیدا کرده‌است.

فناوری‌های نوظهور دیگری مانند دوقلوی (همزاد) دیجیتال (Digital Twins) نیز در حال متحول کردن صنعت معدن هستند. دوقلوی دیجیتال، یک مدل مجازی دقیق از تجهیزات و فرآیندهای واقعی است که با داده‌های لحظه‌ای به‌روزرسانی می‌شود و مانند آیینه‌ای دیجیتال، عملکرد دارایی فیزیکی را شبیه‌سازی می‌کند. این فناوری به شرکت‌ها امکان می‌دهد بدون صرف هزینه واقعی، عملیات خود را آزمایش و بهینه‌سازی کنند. برای نمونه، در سپتامبر ۲۰۲۳، شرکت The Metals Company با همکاری شرکت Kongsberg، از این فناوری برای ارزیابی اثرات زیست‌محیطی استخراج در اعماق دریا

♥ راه‌حل چندوجهی بحران آب

در چنین شرایطی، هر راه‌حل تک‌بعدی محکوم به شکست خواهد بود. ما با مساله‌ای مواجه‌ایم که فقط فنی نیست، فقط اقتصادی نیست و فقط اقلیمی هم نیست. عبور از بحران آب، نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، دقیق و مبتنی بر شواهد است؛ از ممیزی دقیق مصرف آب در کشاورزی و صنعت گرفته تا بازبینی سیاست‌های کشت، اصلاح جانمایی‌ها، تقویت بازچرخانی، ارتقاء فناوری مصرف، تغییر الگوی مصرف و البته تأمین مطمئن آب در مناطق استراتژیک صنعتی. در این میان، پروژه‌های انتقال و شیرین‌سازی را شبیه‌سازی می‌کند. این فناوری به شرکت‌ها باید تأکید کرد که این پروژه‌ها نه جایگزین اقدامات اصلاحی دیگر، بلکه مکمل آنها هستند. آب شیرین‌شده، به‌دلیل هزینه‌های بالای نمک‌زدایی، انتقال و نگهداشت، منبعی ارزشمند و راهبردی است که باید به‌صورت هدفمند و در نقاط با بازدهی بالا و ضرورت حیاتی، مصرف شود.تخصیص این آب به صنایع بزرگ و پرارزش‌افزا (مانند فولاد مبارکه) تصمیمی اقتصادی، فنی و توسعه‌محور است که می‌تواند به کاهش فشار بر منابع آب شیرین جدیدمنجر شود، به‌شرط آن‌که با بازچرخانی داخلی، بهره‌وری بالا و کاهش مصرف در زنجیره تولید همراه شود.

● دلار ۸۸٫۳۰۰ یورو ۱۰۳٫۱۶۰ پوند ۱۲۰٫۶۵۰ درهم ۲۴٫۱۰۰ لیر ۲٫۱۵۰ سکه ۷۹٫۱۰۰٫۰۰۰ سکه بهار آزادی ۷۲٫۱۰۰٫۰۰۰ نیم سکه ۴۲٫۹۰۰٫۰۰۰ ربع سکه ۲۵٫۳۰۰٫۰۰۰ سکه گرمی ۱۴۲٫۳۰۰٫۰۰۰ طلای ۱۸ عیار ۷۰٫۲۰۰۰۰ طلای ۲۴ عیار۹۴۲۰٫۰۰۰

روزنامه **دراقتصاد** **چهارشنبه ۰۸ مرداد ماه ۱۴۰۴** شماره ۷۲۹ **www.marzghtesad.ir**

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۴۹۱۰۵۰۰۰-۰۲۱

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر

انتقاد بازیگر کهنه‌کار از نسل‌کشی در هالیوود

این بازیگر ۶۶ ساله آمریکایی اعتراف کرده که نگران کتار گذاشته شدنش توسط صنعت سینما در سال‌های پایانی عمرش است. جیمی لی کرتیس که به‌ویژه زنان را به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: من

گفته نمی‌خواهد مانند والدین مشهورش، جنت لی و تونی کرتیس کتار گذاشته شود، گفت از مدتی پیش یک برنامه بازنخشستگی دارد تا بتواند «قبل از اینکه دیگر دعوت نشود، از مهمانی بیرون بیاید»بازیگر فیلم «هالووین»، رفتار دنیای سرگرمی با بازیگران مسن‌تر، ظاهر خود را تغییر دهند و بدشکل شوند و این توسط سال‌های پایانی عمرش است. جیمی لی کرتیس که به‌ویژه زنان را به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: من

این سیستم، می‌تواند پشتیبانی مشتریان را مدیریت کند و از تعاملات به‌دست آمده برای توسعه محصولات جدید استفاده کند. به‌علاوه، این سیستم می‌تواند عملیات اجرایی را مدیریت کرده و همزمان راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای مشکلات به‌رووری ارائه دهد. این سامانه می‌تواند با ترکیب اطلاعات از صنایع و حوزه‌های مختلف، تصمیمات راهبردی را اتخاذ کند که به توانایی استدلال عمومی در سطح بالا نیاز دارد.

سطوح هوش عمومی مصنوعی

یکی از چالش‌های اصلی در سنجش تحقق واقعی هوش عمومی مصنوعی، تعریف سیال و غیر ثابت آن است. به همین دلیل، شرکت گوگل دیپ‌مایند تلاش کرده با معرفی شش سطح برای آن،

چارچوبی در جهت ارزیابی سامانه‌های هوش مصنوعی فراهم آورد.این چارچوب با هدف سازمان‌دهی و معیار‌گذاری، تعریف سیالی از هوش عمومی مصنوعی ارائه می‌کند و سطوح آن بر اساس عملکرد و میزان عمومیت (Generality) در توانمندی‌های مدل هوش مصنوعی تعیین شده‌اند.

طیف آنها از سطح صفر (بدون هوش مصنوعی) تا سطح ۵ (هوش فرایشری یا فرانسانی)

در نظر گرفته شده است. سطح پنجم، همان هوش فوق‌العاده مصنوعی (Artificial

Superintelligence) نامیده می‌شود.

از سوی دیگر، شرکت OpenAI نیز نسخه‌ای پنج‌سطحی از AGI را در:
سطح ۱: چت‌بات‌ها (Chatbots): هوش مصنوعی با قابلیت زبان محاوره‌ای
سطح ۲: استدلال‌گرها (Reasoners): برخورداری از توانایی حل مساله در سطح انسان
سطح ۳: عامل‌ها (Agents): سیستم‌هایی که می‌توانند اقداماتی را انجام دهند
سطح ۴: نوآوران (Agents): هوش مصنوعی که می‌تواند به فرآیند اختراع کمک کند
سطح ۵:سازمان‌ها (Organizations): هوش مصنوعی که می‌تواند عملکردی معادل یک سازمان کامل داشته باشد

توسعه AGI به مولفه‌های فناورانه‌ای نیاز دارد. به‌عنوان نمونه، معماری‌های یادگیری ماشین باید از تشخیص الگو فراتر رفته و به درک واقعی و عمیق برسند. سیستم‌ها باید از «استدلال علی» برخوردار شوند. یعنی نتنها بدانند که یک رخداد اتفاق افتاده، بلکه بفهمند چرا رخ داده است. به علاوه، آنها باید از «استدلال مبتنی بر عقل سلیم» و توانایی انتقال دانش بین زمینه‌های مختلف برخوردار شوند.

مهم‌تر از همه، باید چیزی شبیه به خودآگاهی و آگاهی ذهنی انسان در آنها ایجاد شود. طبق گزارش شرکت IBM، هوش مصنوعی برای رسیدن به نقطه قابل قبول از این مفهوم، باید در حوزه‌های ادراک بصری، ادراک صوتی، مهارت‌های حرکتی دقیق، حل مساله، ناوبری مکانی و درک محیط واقعی، خلاقیت، و تعلق‌مداری اجتماعی و احساسی پیشرفت کند.

حل مساله هوش عمومی مصنوعی می‌تواند نقطه عطفی در تحول کسب و کارها باشد. در این صورت هوش عمومی مصنوعی قادر خواهد بود فرآیندها را به‌شکلی بهینه‌سازی کند که فراتر از تصور انسان‌ها باشد یا فرصت‌های پنهان بازار را کشف کند که مدیران انسانی قادر به تشخیص آنها نیستند و مسائل پیچیده را با سرعت و دقتی بی‌سابقه حل کند. در کنار فواید احتمالی استفاده از این هدف تحقیقاتی، مسیر توسعه آن با چالش‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی مواجه است.

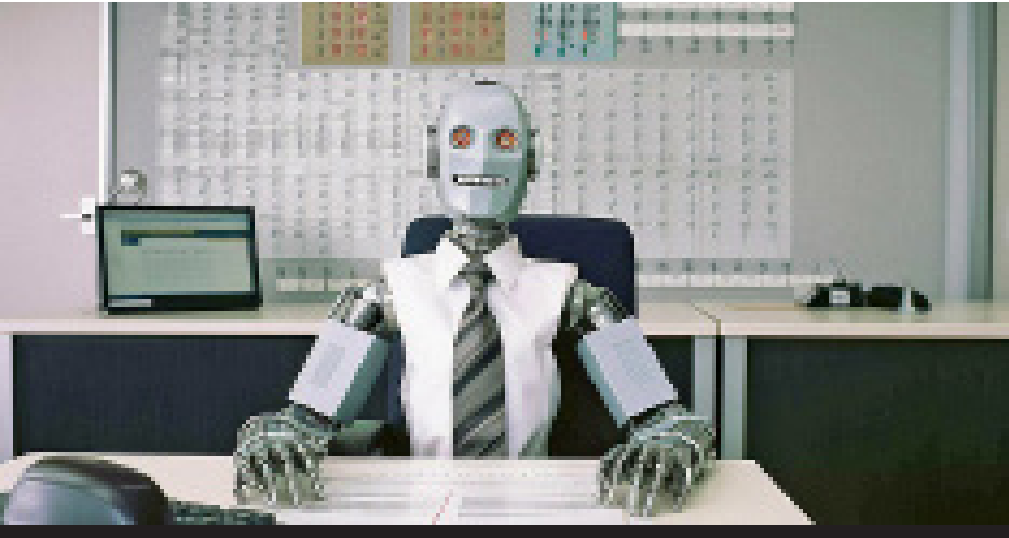
در طی این مسیر، ممکن است صنایع به‌صورت ناگهانی دگرگون شوند و شغل‌ها با سرعتی بی‌سابقه خلق و حذف شوند. ممکن است شرکت‌ها مجبور شوند ساختارهای سازمانی و مدل‌های کسب و کار خود را از نو تعریف کنند. به‌علاوه، در سطح اجتماعی، ترس از کنترل خارج شدن هوش عمومی مصنوعی تا جایی پیش رفته که برخی پیشگامان هوش مصنوعی هشدار داده‌اند چنین پیشرفتی می‌تواند حتی به انقراض بشریت منجر شود.

بسیاری از چهره‌های سرشناس هوش مصنوعی مانند جفری هینتون، ایلان ماسک، استیو وزنیاک و یوشوا بنجیو، مردم عادی را نسبت به خطرات احتمالی کاربرد این دستاورد آگاه کرده‌اند و حتی خواستار توقف موقت توسعه هوش مصنوعی شدند. در مقابل، افرادی مانند یان لی‌کان و اندرو نگ معتقدند این نگرانی‌ها بیش‌ازحد اغراق‌آمیز هستند و هوش مصنوعی در واقع آغازگر رنسانس جدیدی در کسب و کار و جامعه خواهد بود.

علیرغم دوگانگی در دیدگاه‌ها، رقابت جهانی برای دستیابی به این پیشرفت به‌شدت در جریان است؛ هرچند هیچ‌کس نمی‌داند در چه زمانی هوش عمومی مصنوعی واقعا محقق خواهد شد، اما تاثیر گسترده و بی‌بدیل آن غیرقابل انکار است و همین کافی است تا هیچ‌کس نتواند آن را نادیده بگیرد.



هوش عمومی مصنوعی (AGI)، مشابه انسان، از توانایی‌هایی نظیر حل مساله عمومی و انعطاف‌پذیری شناختی برخوردار خواهد بود.



«هوش عمومی مصنوعی»، انقلابی در کسب و کار

مرئتی‌اکبری -سامانه‌های هوش مصنوعی که‌این‌روز‌ها‌همه‌جا‌مورد‌استفاده‌قرار‌می‌گیرند،سیستم‌هایی‌هستند‌که‌در‌انجام‌وظایفی‌خاص،عملکردعالی دارند‌و‌به‌این‌ترتیب،به‌آنها‌هوش‌مصنوعی‌محدود(Narrow AI) اطلاق‌می‌شود.

سامانه‌های هوش مصنوعی که این روزها همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرند، سیستم‌هایی هستند که در انجام وظایفی خاص، عملکرد عالی دارند و به این ترتیب، به آنها هوش مصنوعی محدود (Narrow AI) اطلاق می‌شود.

اما اگر خواست‌های فراتر از وظایف تعیین‌شده قبلی مطرح شود، این سیستم‌ها دیگر پاسخگو نخواهند بود و از کار می‌افتند. به همین دلیل است که سیستم هوش مصنوعی «آلفاکو» (ساخته شرکت گوگل دیپ‌مایند) توانست قهرمان جهان را در بازی گو (Go) شکست دهد، اما قادر نبود حتی ساد‌ترین وظایف خارج از آن بازی را انجام دهد.

در دنیای کسب و کار، هوش مصنوعی محدود می‌تواند وظایف متعددی مانند تشخیص تقلب در تراکنش‌های مالی، تولید محتوا توسط دستیارهای هوش مصنوعی، یا ساخت تصویر برای تبلیغات را انجام دهد. اما همین مدل‌های هوش مصنوعی، نمی‌توانند به‌طور ناگهانی وظایف غیرمرتبطی مانند پیگیری تماس‌های فروش یا پیش‌بینی احتمال خرید یک مشتری بالقوه را انجام دهند. اینجاست که پای «هوش عمومی مصنوعی» (Artificial General Intelligence) به میان می‌آید؛ سیستم‌هایی که بتوانند مانند انسان، دانش را درک کرده و یاد بگیرند و آن را در موقعیت‌ها و وظایف مختلفی به‌کار بگیرند و حتی در برخی موارد نیز از انسان فراتر روند.

هوش عمومی مصنوعی (AGI)، مشابه انسان، از توانایی‌هایی نظیر حل مساله عمومی و انعطاف‌پذیری شناختی برخوردار خواهد بود. همان‌گونه که یک انسان پس از یادگیری آشپزی می‌تواند مهارت‌های زمان‌بندی و سازمان‌دهی خود را در مدیریت پروژه به‌کار گیرد، این نوع از هوشمندی نیز می‌تواند آموخته‌های خود را از یک حوزه به چالش‌هایی کاملاً متفاوت منتقل کند. این قابلیت تطبیق‌پذیری همان چیزی است که AGI را به مفهومی متحول‌کننده در کسب و کار بدل می‌سازد.

اینفوگرافیک

ادارات گذرنامه تا

روز آربعین برای

تکمیل ثبت نام

زائران آربعین و

تمدید گذرنامه

زیارتی آنان به

صورت شبانه‌روزی

و ۲۴ ساعته فعال

خواهند بود و

گذرنامه ۵ روز بعد

به دست متقاضی

می‌رسد. در این

اینفوگرافیک

شرایط در خوابیت

و دریافت گذرنامه

آربعین را مشاهده

می کنید.



دردسر «پیرپسر» برای وزیر

امورات فرهنگی نیست و باید از سایر دستگاه‌های مربوطه نیز در این خصوص سوال شود، ضمن اینکه در حال حاضر مهم‌ترین موضوع بعد از جنگ باید رسیدگی به ناترازی‌ها و کمک به دولت در این مورد باشد.

فتح‌الله توسلی نماینده بهار و کیودرآهنگ اما گفت بسیاری سوال می‌کنند مباحث فرهنگی در شرایط فعلی اولویت کشور نیست که باید بگویم ما از وزرای اقتصادی هم سوالاتی را در دستورکار قرار داده‌ایم باین‌حال در حال حاضر - ۶۰ سوال از وزیر فرهنگ مطرح شده و تعدادی تذکر هم ثبت شده است.

او با بیان اینکه وزیر در انجام تکالیف خود طبق قانون و برنامه هفتم کوتاهی کرده است، افزود: وزارتخانه ارشاد موظف است سالانه ۲۰ فیلم فاخر، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای تولید کند اما اکنون تنها فیلمی که دارند فیلم پر از فحشایی است به نام «پیرپسر». با اینکه آقای سیندعباس صالحی از سال ۹۲ تاکنون به جز سه سال ریاست‌جمهوری شهید رئیسی وزیر ارشاد است اما تاکنون این اهداف محقق نشده است.

گزارش تصویری



گزارش تصویری



رویداد «آرش؛

سرباز وطن» با

هدف پاسداشت

شهدای جنگ ۱۲

روزه



نمایشگاه «به

گزارش زنان « – موزه

هنرهای معاصر

تهران

✦ خطرات بهرام رادان از بازی در

«گیلان»

سومین نشست از سلسله برنامه «سینمای ایران برای وطن» با نمایش نسخه مرمت شده فیلم «گیلان» ساخته رخشان بنی‌اعتماد و محسن عبدالوهاب با حضور بهرام رادان برگزار شد.

رادان درباره بازی در این فیلم و تلاش‌هایش برای نزدیک شدن به شخصیت توضیح داد: این نقش نسبت به سن و سال من در سال ۸۲ حدود ۱۰ سال بزرگ‌تر بود به همین دلیل ما مدت‌ها تست گریم داشتیم. روز آخری که قرار بود به سمت شمال حرکت کنیم تست گریم آخر را انجام دادیم و خیال خانم بنی‌اعتماد راحت شد. دوستی به نام آقای دبیری خیلی به من کمک کردند زیرا با افراد زیادی که شرایط اسماعیل را داشتند در ارتباط بودند و الگوهایی را به من یاد دادند.

من مدت‌ها به آسیب‌گاه اعصاب و روان و بیمارستان ساسان می‌رفتم و چندبار به خانه کسانی رفتم که در جنگ شیمیایی شده بودند. مجموعه این تجربیات باعث شد که برای ایفای نقش به الگوریتمی برسم.

رادان درباره ماندگارترین صحنه «گیلان» بیان کرد: برای من صحنه‌ای که گیلانه برای پسرش اینرقصد بسیار ماندگار است. پذیرش رابطه‌ی من و مادر و پسر در آن زمان برای برخی مشکل بود اما امروزه ما به این حرف‌ها خندیم. برای صحنه‌ای که گیلانه زیر بغل پسرش را می‌گیرد مشکلات زیادی پیش آمد زیرا می‌گفتند که تماسی بین زن و مرد ایجاد شده است.

رادان درباره رابطه‌اش با فاطمه معتمدآریا در طول ساخت فیلم گفت: بازی خانم معتمدآریا خیلی به من کمک می‌کرد و حتی پیش از آغاز فیلم‌برداری در دفتر کار خانم بنی‌اعتماد با هم تمرین می‌کردیم.

رادان در پاسخ به پرسشی درباره دلیل ایفای نقش در «گیلان» بیان کرد: یک سال ۸۱ من سه سال بود که کار سینمایی را آغاز کرده بودم و در ۶ فیلم سینمایی تجاری بازی کرده بودم. طبیعتاً نقدهایی نسبت به این نقش‌ها وجود داشت و وقتی نقدها را می‌خواندم، دوست داشتم این تصور کلیشه‌ای را بشکنم تا اینکه پیشنهادی برای بازی در فیلم «گاوخونی» به من ارائه شد. درفاصله‌ی پس از آن فیلم پیشنهاد بازی در فیلم «شمعی در باد» را داشتم. تمام اردیبهشت سال ۸۲ من برای بازی در فیلم «گیلان» تمرین کردم تا بتوانم این نقش را بگیرم زیرا تنها بازیگر پیشنهادی این پروژه نبودم و خانم بنی‌اعتماد بازیگران دیگری را هم مدنظر داشتند.

در بخش دیگری از این نشست آنتونیا شرکا، منتقد سینمایی، با ابراز تأسف از حضور نداشتن کارگردان و فاطمه معتمدآریا در این مراسم گفت: متأسفانه پس از اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در کشور ما رخ داده است از حضور برخی زنان در سینما محروم شده‌ایم مانند خانم بنی‌اعتماد و فاطمه معتمدآریا. این افراد چهره‌های مهم و ارزشمندی هستند و امیدوارم شرایطی فراهم شود تا بازنمایی چهره زنان در سینما یا سریال‌ها محل مناقشه نباشد و ممیزی‌های سخت در سینما کمتر شود.

در پایان این نشست نیز میثم زندی مدیرکل دفتر نظارت بر عرصه و نمایش فیلم عنوان کرد: من هفته قبل حدود ۳۰ساعتی در منزل خانم بنی‌اعتماد در خدمتشان بودم و درباره سینمای ایران برای وطن و موضوعات دیگر صحبت کردیم. ما درباره وطن و قدرانی از همه کسانی که در حوزه فرهنگ و هنر فعالیت می‌کنند، صحبت کردیم.

وقتی به بحث قدردانی و قدرشناسی رسیدیم خانم بنی‌اعتماد یکی از دیالوگ‌های فیلم «گیلان» را گفتند: «پسر من وقتی به جنگ می‌رفد این شکلی نبود، هنوز سبیل درنیآورده بود، یک لب بود و هزار خنده، قدش، اندازه سرو بود». پس از گفتن این دیالوگ بغض کردند و گریه کردند.ای کاش قدردان تمام کسانی باشیم که خودشان را مانند اسماعیل برای وطن قربانی می‌کنند.

وی ادامه داد: خوشحالم که امشب در کنار شما هستم و این محفل را برای وطن و با نام رخشان بنی‌اعتماد برگزار کردیم که یکی از پرافتخارترین زنان ایرانی است.

✦ برندگان جشنواره عکاسی مانگرو

جشنواره عکاسی مانگرو ۲۰۲۵ با رویکرد تصویربرداری از محیط زیست بی‌همتا و زیبایی جنگل مانگرو برگزار شد. در این دوره از جشنواره مارک لن کوک با عکس «نمای هوایی از شکار پرندگان» برنده کلی رقابت امسال شد.

در این‌عکس گروهی از پرندگان رزنزیت اسپون‌بیل در حال پرواز بر فراز یک کوسه لیومویی هستند که در آب‌های کم‌عمق خلیج فلوریدا در میان مانگروها به دنبال ماهی مولت می‌گردد. دومین عکس از مارک لن کوک برنده بخش پرندگان – مرغابی‌های بال‌آبی درحالی‌که برای یافتن غذا در آب‌های کم‌عمق به رنگ چای خلیج فلوریدا، دست و پا می‌زنند، آثار هنری زودگذری خلق می‌کنند.